



Security–Liberty Relations in Safeguarding Citizens’ Right to Privacy within Iran’s Constitutional Order

Ali Akbar Nosrati¹, Ali Babaei Mehr^{2*}, Behnam Ghanbarpour³

1. Department of Public Law, Sar.C., Islamic Azad University, Sari, Iran.

2. Department of Public Law, Bab.C., Islamic Azad University, Babol, Iran.

3. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Qa.S.C., Islamic Azad University, Qaemshahr, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 183-199

Article history:

Received: 14 Jul 2026

Edition: 28 Jul 2026

Accepted: 25 Aug 2026

Published online: 23 Sep 2026

Keywords:

Security, Liberty, Constitutional Law, Privacy, Human Rights.

Corresponding Author:

Ali Babaei Mehr

Address:

Iran, Babol, Islamic Azad University, Bab.C., Department of Public Law.

Orchid Code:

0009-0002-2267-4156

Email:

gatbabayee@iauc.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aim: Public security and individual liberties are foundational yet potentially competing values in public law. The Constitution of the Islamic Republic of Iran addresses this relationship, particularly in Articles 9, 24, and 27. However, indeterminate legal concepts, ambiguous limitation clauses, and inadequate enforcement safeguards may permit expansive interpretations and disproportionate restrictions on citizens’ rights, including privacy.

Materials and Methods: This research is theoretical in nature and employs a descriptive-analytical methodology.

Ethical Considerations: Throughout the writing process of this research, integrity, honesty, and professional fidelity have been maintained, ensuring the originality of the texts.

Findings: The proposed reforms rest on three pillars: treating liberty as the presumptive rule and security restrictions as narrowly construed exceptions; requiring every limitation to have a clear, precise, accessible, and foreseeable legal basis; and establishing effective accountability mechanisms through judicial and parliamentary oversight, written and reasoned justifications, and temporal and substantive limits on restrictive measures.

Conclusion: The findings indicate that these reforms may create a durable and proportionate balance between liberty and security, prevent the normalization of a permanent security-oriented approach, and preserve the State’s ability to respond effectively to genuine threats. Revising Articles 9, 24, and 27 would strengthen the rule of law, enhance public trust, and promote conformity with internationally recognized human-rights and privacy standards.

Cite this article as:

Nosrati, A. A; Babaei Mehr, A & Ghanbarpour, B. "Security–Liberty Relations in Safeguarding Citizens’ Right to Privacy within Iran’s Constitutional Order". 2026.

دوره سوم، شماره سوم، پائیز ۱۴۰۵

مناسبات امنیت و آزادی در تضمین حریم خصوصی شهروندان در نظام حقوق اساسی ایران

علی اکبر نصرتی^۱، علی بابایی مهر^{۲*}، بهنام قنبرپور^۳

۱. گروه حقوق عمومی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

۲. گروه حقوق عمومی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

۳. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: امنیت عمومی و آزادی‌های فردی از بنیادی‌ترین ارزش‌های حقوق عمومی‌اند که در بسیاری از نظام‌های حقوقی در معرض تعارض و کشاکش قرار می‌گیرند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصولی همچون ۹، ۲۴ و ۲۷ به این موضوع پرداخته است، اما به دلیل به کارگیری مفاهیم کلی، معیارهای مبهم و فقدان سازوکارهای اجرایی شفاف، زمینه سوءبرداشت‌ها و محدودسازی‌های نامتناسب فراهم شده است.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده و روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی می‌باشد.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: اصلاحات پیشنهادی بر سه محور اصلی استوارند: پذیرش آزادی به عنوان قاعده و امنیت به عنوان استثنا؛ الزام به وجود قانون دقیق، شفاف و قابل پیش‌بینی برای هرگونه محدودیت؛ و ایجاد سازوکارهای نظارت و پاسخگویی مؤثر از طریق کنترل قضایی و پارلمانی، انتشار دلایل مکتوب و محدودسازی زمانی و موضوعی اقدامات است.

نتیجه: نتایج تحقیق نشان می‌دهد که چنین اصلاحاتی می‌تواند تعادل پایدار و سنجش‌پذیری میان آزادی و امنیت برقرار کرده، از امنیت محوری دائمی جلوگیری نماید و در عین حال امکان واکنش سریع در برابر تهدیدهای واقعی را حفظ کند. به این ترتیب، بازنگری اصول ۹، ۲۴ و ۲۷ نه تنها موجب تقویت حاکمیت قانون و اعتماد عمومی خواهد شد، بلکه جایگاه حقوق اساسی کشور را در انطباق با معیارهای پذیرفته شده بین‌المللی ارتقا خواهد داد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۸۳-۱۹۹

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۴/۲۳

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۵/۰۵/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۰۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

امنیت، آزادی، حقوق اساسی، حریم خصوصی، حقوق بشر.

نویسنده مسئول:

علی بابایی مهر

آدرس پستی:

ایران، سیرجان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سیرجان، گروه حقوق.

کد ارکید:

۰۰۰۹-۰۰۰۲-۲۲۶۷-۴۱۵۶

پست الکترونیک:

Ta.Balvardi@iau.ac.ir

۱. مقدمه

آزادی و امنیت، دو ارزش بنیادین در سامان حقوقی و سیاسی جوامع، همواره در وضعیتی از تعامل و گاه تعارض قرار داشته‌اند. آزادی، امکان انتخاب، اظهارنظر، ارتباط و شکل‌دهی به قلمرو مستقل زندگی فردی را برای شهروندان فراهم می‌سازد؛ درحالی‌که امنیت، زمینه برخورداری مؤثر و پایدار از همین حقوق و آزادی‌ها را مهیا می‌کند. با وجود این، مسأله از آنجا آغاز می‌شود که تأمین امنیت به مبنایی برای توسعه مداخلات عمومی در زندگی خصوصی افراد تبدیل شود و قلمرو آزادی‌های شهروندی، به‌ویژه حریم خصوصی، بدون ضابطه‌ای روشن و قابل نظارت محدود گردد.

حریم خصوصی صرفاً حق فرد برای پنهان‌داشتن برخی امور شخصی نیست، بلکه قلمرویی ضروری برای حفظ کرامت انسانی، استقلال شخصیت، آزادی اندیشه، امنیت ارتباطات و مصونیت افراد از نظارت و مداخله خودسرانه به‌شمار می‌آید. در جهان معاصر نیز گسترش فناوری‌های ارتباطی، ذخیره‌سازی داده‌ها، ابزارهای نظارتی، دوربین‌های هوشمند و امکان ردیابی دیجیتال، اهمیت حمایت حقوقی از این حریم را دوچندان کرده است. این تحولات، از یک‌سو ظرفیت دولت‌ها را برای پیشگیری از جرم و مقابله با تهدیدهای امنیتی افزایش داده و از سوی دیگر، امکان تعرض گسترده‌تر و پنهان‌تر به اطلاعات، ارتباطات و سبک زندگی شهروندان را فراهم آورده است.

در نظام حقوق اساسی ایران، هرچند اصطلاح «حریم خصوصی» به‌صورت صریح در قانون اساسی به‌کار نرفته، مبانی حمایت از آن را می‌توان در

مجموعه‌ای از اصول ناظر بر آزادی‌های فردی و اجتماعی، منع تعرض به حقوق مردم، آزادی بیان و آزادی اجتماعات جست‌وجو کرد. در این میان، اصول ۹، ۲۴ و ۲۷ قانون اساسی از حیث تعیین حدود آزادی‌ها و نحوه اعمال محدودیت بر آن‌ها اهمیت ویژه‌ای دارند. با این حال، مفاهیمی چون «استقلال»، «وحدت ملی»، «مبانی اسلام»، «حقوق عمومی» و «مخل به مبانی اسلام نبودن»، در صورت فقدان معیارهای روشن تفسیری و تضمین‌های اجرایی، ممکن است زمینه توسعه محدودیت‌ها با توجیه امنیتی را فراهم سازند. مسأله اساسی آن است که مرز میان محدودیت مشروع و مداخله ناموجه در آزادی‌ها و حریم خصوصی شهروندان چگونه باید تعیین شود.

بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که اصول ۹، ۲۴ و ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تا چه اندازه ظرفیت تضمین حریم خصوصی شهروندان در برابر محدودیت‌های ناشی از ملاحظات امنیتی را دارند و چه اصلاحاتی برای ایجاد تعادل میان امنیت و آزادی ضروری است؟

فرضیه پژوهش آن است که اصول یادشده، با وجود برخورداری از ظرفیت‌های حمایتی، به دلیل ابهام در مفاهیم محدودکننده، فقدان تصریح کافی به حریم خصوصی و نبود معیارهای دقیق برای اعمال مداخلات امنیتی، تضمین مؤثری برای صیانت از آزادی‌های شهروندی فراهم نمی‌کنند. از این‌رو، بازنگری در این اصول بر پایه اصل آزادی، محدود بودن استثنائات امنیتی، ضرورت و تناسب مداخله،

شفافیت، نظارت قضایی و پاسخگویی نهادهای عمومی ضروری است.

نوآوری این پژوهش در آن است که افزون بر تحلیل انتقادی نسبت امنیت و آزادی در چارچوب حقوق اساسی ایران، به ارائه پیشنهادهای مشخص و قابل تقنین برای اصلاح یا تکمیل مفاد اصول ۹، ۲۴ و ۲۷ می‌پردازد؛ پیشنهادهایی که هدف آن‌ها تبدیل حمایت از حریم خصوصی از یک برداشت ضمنی و پراکنده به تضمینی روشن، ضابطه‌مند و قابل اجرا است.

۲. مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی تحلیل است. از روش کتابخانه‌ای به منظور جمع‌آوری داده‌ها و مطالب در این تحقیق استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در مراحل مختلف نگارش این مقاله، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌ها حاکی از آن است که در راستای مناسبات امنیت و آزادی در تضمین حریم خصوصی شهروندان، اصلاحات مهمی ضروری می‌باشد. اصلاحات پیشنهادی بر سه محور اصلی استوارند: پذیرش آزادی به عنوان قاعده و امنیت به عنوان استثنا؛ الزام به وجود قانون دقیق، شفاف و قابل پیش‌بینی برای هرگونه محدودیت؛ و ایجاد سازوکارهای نظارت و پاسخگویی مؤثر از طریق کنترل قضایی و پارلمانی، انتشار دلایل مکتوب و محدودسازی زمانی و موضوعی اقدامات.

۵. بحث

در این قسمت ابتدا به تبیین مبانی مفهومی پرداخته می‌شود.

۵-۱. مبانی مفهومی

مقصود از مبانی مفهومی، تعیین حدود و ارائه تعریفی روشن از واژگان کلیدی‌ای است که شالوده نظری تحلیل بر آن‌ها بنا می‌شود. در این نوشتار، تمرکز اصلی بر سه مفهوم «آزادی»، «امنیت» و «حریم خصوصی» قرار دارد.

۵-۱-۱. آزادی

«آزادی» از مفاهیم محوری فلسفه سیاسی معاصر است که در خوانش‌های جدید، بیش از هر چیز در نسبت آن با قدرت، خودآیینی و حدود مداخله دولت فهم می‌شود. در ادبیات مربوط به آزادی، تمایز میان آزادی منفی و آزادی مثبت همچنان نقطه آغاز تحلیل‌هاست؛ با این حال، پژوهش‌های جدید نشان می‌دهند که این دوگانه را نباید به صورت ساده و ایستا فهم کرد، زیرا آزادی منفی صرفاً به نبود مداخله بیرونی فروکاسته نمی‌شود و آزادی مثبت نیز تنها به توانمندسازی از سوی دولت محدود نیست، بلکه با خودفرمانی، شکل‌گیری اراده و امکان تحقق انتخاب‌های معنادار پیوند دارد (برلین، ۱۹۶۹، ۱۲۲؛ گوستاووسون، ۲۰۱۴، ۲۹۰-۲۹۱؛ کیس، ۲۰۱۳، ۲۰-۲۱). از این منظر، آزادی منفی ناظر به حوزه‌ای است که در آن فرد از تحمیل و مداخله دیگران مصون می‌ماند، درحالی‌که آزادی مثبت بر ظرفیت فرد برای اداره خویشتن و تحقق اراده خویش تأکید می‌کند (برلین، ۱۹۶۹، ۱۳۱-۱۳۴؛ کراودر، ۲۰۲۰، ۱-۲).

دوگانه آزادی منفی (نبود موانع) و مثبت (توانمندی بر انتخاب) تکیه دارد، اندیشه اسلامی بر پایه «توحید»، آزادی را در قالب رهایی از تعلقات غیر الهی و نیل به کمال انسانی تعریف می‌کند (فیلیپات، ۲۰۱۹، ۴۵-۵۸). تحقیقات جدید نشان می‌دهند که در این چارچوب، آزادی نه یک حق مطلق و رها از غایت، بلکه امانتی الهی برای تحقق عدالت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی است (المهفلی و آوری، ۲۰۲۳، ۱۰۶-۱۱۲). دلالت‌های این رویکرد را می‌توان در محورهای زیر تلخیص کرد:

(الف) دلالت غایی و معنوی: در این نگرش، آزادی واقعی در «عبودیت خداوند» متجلی می‌شود. برخلاف رویکردهای سکولار که آزادی را در خودمختاری متمایل به امیال فردی می‌جویند، اندیشه اسلامی آزادی را بستر لازم برای انجام آگاهانه تکالیف الهی می‌داند؛ جایی که رهایی از استبداد درونی (نفس) و بیرونی (طاغوت)، پیش‌شرط بندگی خالصانه است (کدیور، ۲۰۱۰، ۳۴-۴۰).

(ب) دلالت فطری و کرامت‌محور: بر پایه‌ی اصل کرامت، انسان موجودی آزاد آفریده شده و هیچ فرد یا نهادی حق سلطه غیرقانونی بر او را ندارد. این دلالت فطری، زیربنای حمایت از حقوق بنیادین و منع بردگی (در تمام اشکال نوین آن) است و بر ضرورت صیانت از قلمرو خصوصی شهروندان به‌عنوان بخشی از شخصیت انسانی تأکید می‌ورزد (مایر، ۲۰۱۸، ۸۹-۱۰۵).

(ج) دلالت اخلاقی و خودآیینی: در اخلاق زیستی و حقوقی اسلام، خودآیینی فردی به‌صورت مشروط و در چارچوب موازین شرعی پذیرفته شده است. این

با این همه، تحلیل‌های معاصر نشان داده‌اند که هر دو تقریر، در عمل با دشواری‌های نظری و نهادی روبه‌رو هستند. آزادی منفی اگر بدون معیارهای روشن حقوقی و نظارت مؤثر فهم شود، می‌تواند به نادیده‌گرفتن موانع غیرمستقیم آزادی و نابرابری‌های ساختاری بینجامد؛ در مقابل، آزادی مثبت اگر به‌صورت نامحدود و بی‌ضابطه اعمال شود، ممکن است به توجیه مداخله‌گرایی گسترده و حتی مصادره اراده فرد به نام «رهایی» منتهی گردد (گوستاووسون، ۲۰۱۴، ۲۹۰-۲۹۱؛ پودوسیک و الازار، ۲۰۲۰، ۱۴-۱۵). از همین رو، ادبیات جدید بر این نکته تأکید دارد که مسأله اصلی، انتخاب یکی از این دو به‌تنهایی نیست، بلکه طراحی نظامی حقوقی است که هم مانع مداخله خودسرانه شود و هم امکان حمایت مؤثر از آزادی‌های واقعی را فراهم آورد (بام و نیکولز، ۲۰۱۳، ۱-۱۲؛ کراودر، ۲۰۲۰، ۲۱-۲۰).

در نتیجه، می‌توان گفت آزادی در معنای معاصر آن، نه صرفاً فقدان مانع، بلکه ترکیبی از مصونیت حقوقی، خودآیینی فردی و سازوکارهای نهادی مهار قدرت است. همین فهم، زمینه را برای بررسی نسبت آزادی با امنیت در تضمین حریم خصوصی شهروندان فراهم می‌کند؛ نسبتی که در آن، هرگونه محدودسازی باید استثنایی، قانون‌مند، متناسب و تحت نظارت مؤثر باشد.

در گفتمان حقوقی و سیاسی اسلام، مفهوم «حریت» (آزادی) فراتر از تعاریف رایج در سنت‌های لیبرال و سکولار، در پیوندی ناگسستنی با مفاهیمی چون «کرامت ذاتی»، «عبودیت» و «تکلیف الهی» معنا می‌یابد. درحالی‌که ادبیات غربی عمدتاً بر

نسبت به ارزش‌های تحصیل‌شده» فهم می‌شود؛ به‌گونه‌ای که در بعد عینی، از فقدان تهدید و در بعد ذهنی، از فقدان بیم نسبت به تعرض به آن ارزش‌ها سخن می‌رود (ولفرز، ۱۹۶۲، ۱۵۰؛ هرینگتون، ۲۰۱۳، ۱۲-۱۸). این تلقی، مبنای گفتمان سلبی امنیت است و هنوز در تحلیل‌های دولت‌محور امنیت ملی حضور پررنگ دارد. در این رویکرد، امنیت زمانی محقق است که بازیگر سیاسی در برابر تهدیدهای بیرونی، به‌ویژه تهدیدهای نظامی و راهبردی، از ظرفیت کافی برای صیانت از منافع حیاتی خود برخوردار باشد (رایدز و دیگران، ۲۰۲۲، ۲۱-۲۹).

در برابر، گفتمان‌های جدیدتر، مفهوم امنیت را از سطح صرفِ «رفع تهدید» به سطح «تضمین زیست ایمن و رضایت‌بخش» گسترش داده‌اند. در این برداشت، امنیت تنها به نبود تهدیدهای مستقیم محدود نیست، بلکه با امنیت انسانی، رفاه، کرامت و دسترسی پایدار به نیازهای بنیادین پیوند می‌خورد؛ به این معنا که احساس امنیت زمانی شکل می‌گیرد که میان خواسته‌ها، امکانات و شرایط زیست جمعی تناسب برقرار باشد (برات و رومر، ۲۰۲۱، ۴۴-۵۷؛ برنامه توسعه ملل متحد، ۲۰۲۲، ۱-۹). از این منظر، تهدید فقط امر خارجی و سخت‌افزاری نیست، بلکه فقر، بی‌اعتمادی، نابرابری نهادی و بی‌ثباتی اجتماعی نیز می‌توانند به ناامنی بینجامند. بنابراین، در گفتمان ایجابی، امنیت بیشتر به «رضایت‌مندی» و «اعتماد به نظم موجود» نزدیک می‌شود تا صرفِ مصونیت از تهدید.

بر این پایه، می‌توان امنیت را وضعیتی دانست که در آن، یک واحد سیاسی یا اجتماعی نه‌فقط از تهدیدهای آشکار در امان است، بلکه میان نیازها،

به‌معنای «اختیار» در انتخاب مسیر زندگی و محافظت از اسرار شخصی است، به‌گونه‌ای که حریم خصوصی نه‌تنها یک حق، بلکه یک تکلیف برای حفظ حرمت مؤمن تلقی می‌گردد (صدیق، ۲۰۱۹، ۱۲-۱۸).

د) دلالت حقوقی و حمایتی: در نظام حقوق اسلامی، اصل بر برائت و اباحه است؛ به این معنا که حریم شخصی و آزادی‌های رفتاری شهروندان باید از تعرض دولت و دیگران مصون بماند. بر این اساس، حریم خصوصی به‌عنوان قاعده‌ای پیش‌فرض تلقی می‌شود و هرگونه مداخله امنیتی یا عمومی در آن، نیازمند دلیلی قطعی، قانونی و محدود به ضرورت‌های بنیادین است (مرکز اینترنت و جامعه، ۲۰۱۶، ۴-۹).

بنابراین، تفاوت بنیادین در این است که در گفتمان اسلامی، آزادی از «درون» (ایمان و تقوا) آغاز شده و در «بیرون» (نظم اجتماعی عادلانه) استمرار می‌یابد تا به هدف نهایی یعنی کمال برسد. در مقابل، گفتمان‌های رقیب غالباً بر «رهایی اراده» بدون توجه به غایات اخلاقی تمرکز دارند. این تمایز در نظام حقوق اساسی ایران، ضرورت بازتعریف نسبت امنیت و آزادی را دوچندان می‌کند تا امنیت نه ابزاری برای سلب آزادی، بلکه بستری برای تحقق کرامت و حریت واقعی شهروندان باشد (فیلیپات، ۲۰۱۹، ۱۱۲-۱۲۰).

۵-۱-۲. امنیت

در ادبیات امنیتی معاصر، «امنیت» مفهومی یک‌بعدی و ثابت نیست، بلکه در نسبت با تهدید، آسیب‌پذیری و ادراک جمعی معنا می‌یابد. در خوانش کلاسیک، امنیت به‌منزله «نبود تهدید

امنیت قرار می‌گیرد؛ جایی که حفظ تعادل میان این دو، چالشی بزرگ برای هر جامعه‌ای به‌شمار می‌رود.

اگر امنیت بدون رعایت مرزهای حریم خصوصی تعریف شود، ممکن است به کنترلی افراطی و نظارتی گسترده بیانجامد که خود بزرگ‌ترین تهدید علیه آزادی و حقوق فردی خواهد بود. این تجاوزات، نه تنها اعتماد عمومی را تضعیف می‌کند، بلکه روح جامعه را نیز زخمی می‌سازد. بنابراین، هرگونه مداخله در این حریم باید صرفاً بر مبنای قوانین صریح، ضرورت‌های واقعی و با رعایت اصول تناسب و مشروعیت انجام شود.

در نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، اگرچه واژه «حریم خصوصی» به‌طور مستقیم در متن قانون اساسی نیامده است، اما اصول متعددی همچون اصل ۲۲ که بر مصونیت حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل افراد تأکید دارد، اصل ۲۳ که تفتیش عقاید را ممنوع می‌سازد و اصل ۲۵ که مانع بازرسی و افشای مکاتبات و مخابرات جز به حکم قانون است، چارچوبی محکم برای حمایت از این حق بنیادین فراهم کرده‌اند. به‌علاوه، هرگونه محدودیت در این حوزه باید با رعایت ضرورت قانونی، تناسب و مشروعیت همراه باشد تا از سوءاستفاده و نقض حقوق جلوگیری شود.

در سطح بین‌المللی نیز، اسناد حقوق بشری معتبر، به‌ویژه ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بر حفاظت از زندگی خصوصی، خانوادگی، مکاتبات و حیثیت افراد تأکید کرده و مداخله‌های خودسرانه یا

انتظارات و ظرفیت‌هایش نوعی تناسب و اطمینان برقرار است؛ وضعیتی که در آن، احساس رضایت و اعتماد به پایداری نظم عمومی نیز تقویت می‌شود (برنامه توسعه ملل متحد، ۲۰۲۲، ۴-۷؛ برات و رومر، ۲۰۲۱، ۵۸-۶۲).

۵-۱-۳. حریم خصوصی

حریم خصوصی به‌مثابه حصاری نامرئی، مرز میان دنیای درون و بیرون فرد است؛ قلمرویی که دیگران، اعم از اشخاص حقیقی، نهادها و حتی دولت، به‌سادگی حق ورود و مداخله در آن را ندارند مگر در شرایطی خاص، با ضوابطی مشخص و بر اساس قوانین معتبر. این مفهوم گسترده، عرصه‌ای است که شامل انواع مختلفی از جنبه‌های زندگی فردی می‌شود؛ از اطلاعات شخصی و مکاتبات محرمانه گرفته تا ارتباطات خانوادگی، اموال و حتی باورها و ترجیحات عمیق روحی و فکری انسان. در واقع، حریم خصوصی دریچه‌ای است به عمق هویت و آزادی فردی که بدون آن، امکان رشد و بالندگی انسان در جامعه به‌شدت محدود می‌شود.

در اندیشه حقوقی مدرن، حریم خصوصی نه‌فقط یکی از ارکان آزادی فردی، بلکه سنگ‌بنایی برای کرامت انسانی و شکل‌گیری هویت مستقل هر شخص است. آزادی واقعی بدون وجود فضایی امن برای اندیشیدن، تصمیم‌گیری و بیان افکار، عملاً پوچ و بی‌معنی خواهد بود. این حق، چون چراغی است که راه روشن زیستن آزادانه را در دل اجتماع می‌تاباند. اما از سوی دیگر، امنیت ملی و اجتماعی نیز برای هر نظام سیاسی ضروری است و بدون آن، نظم و آرامش عمومی به خطر می‌افتد. همین جاست که حریم خصوصی در نقطه تلاقی آزادی و

غیرقانونی را منع کرده‌اند؛ گواهی روشن بر اهمیت جهانی این حق.

اما در عصر حاضر، با ظهور فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی که امکان جمع‌آوری، ذخیره و تحلیل داده‌های شخصی را به سرعت و با دقت بی سابقه‌ای فراهم ساخته‌اند، تهدیدات علیه حریم خصوصی ابعادی نو یافته‌اند. این فناوری‌ها، اگرچه در خدمت رفاه و توسعه قرار دارند، اما می‌توانند به ابزاری برای نفوذ به زندگی خصوصی افراد و حتی کنترل اجتماعی گسترده تبدیل شوند.

از این رو، برقراری تعادل میان ضرورت‌های امنیتی و حفظ حریم خصوصی به یک نیاز حیاتی تبدیل شده است که جز با تدوین چارچوب‌های حقوقی شفاف، نظارت مؤثر بر نهادهای امنیتی و ارتقاء فرهنگ عمومی امکان‌پذیر نیست. رعایت این توازن، نه تنها به حفظ آزادی و کرامت فردی یاری می‌رساند، بلکه پایه‌های اعتماد میان شهروندان و حاکمیت را استوار می‌کند؛ اعتمادی کلیدی که هر جامعه پیشرفته و پایدار را ممکن می‌سازد.

۵-۲. چارچوب نظری

چارچوب نظری، در واقع به روشن ساختن نسبت مفهومی و عملی میان دو ارزش بنیادین «آزادی» و «امنیت» می‌پردازد. این دو مفهوم که گاه در نگاه نخست متضاد به نظر می‌رسند، در واقع در تعامل پیچیده‌ای قرار دارند که فهم آن برای هر جامعه‌ای اهمیت حیاتی دارد. در این زمینه، نظریه‌های مختلفی مطرح شده‌اند که عمدتاً می‌توان آن‌ها را به دو دسته کلی تقسیم کرد: نظریه‌های «امنیت محور» و نظریه‌های «آزادی محور».

۵-۲-۱. نظریه‌های امنیت محور

در اندیشه سیاسی کلاسیک، توماس هابز بنیان‌گذار دیدگاهی است که در آن، صیانت از ذات و تأمین امنیت، تنها دلیل خردپسند برای خروج از وضعیت طبیعی و تشکیل دولت (لویاتان) تلقی می‌شود. در این نگاه، شهروندان برای رهایی از ناامنی مطلق، داوطلبانه بخشی از آزادی‌های خود را به اقتدار عالی واگذار می‌کنند (شاپیرو، ۲۰۱۹، ۳۴-۴۲). این رویکرد «امنیت محور» در دوران معاصر نیز در قالب «دکترین ضرورت» بازتولید شده است؛ جایی که امنیت نه یکی از فضایل، بلکه پیش‌شرط هستی‌شناختی برای برخورداری از سایر حقوق و آزادی‌ها پنداشته می‌شود (والدرون، ۲۰۱۸، ۱۵-۲۲). در این پارادایم، آزادی در مرتبه دوم اهمیت قرار دارد و صیانت از نظم عمومی، مجوزی برای تحدید حریم خصوصی و آزادی‌های فردی صادر می‌کند.

پیامد عملی این نگاه، شکل‌گیری نظام‌هایی است که بر اساس «منطق استثنا» بنا شده‌اند. در این ساختارها، مفاهیمی چون «مصلحت عمومی» یا «حفاظت از تمامیت ملی»، امنیت را به ابزاری برای توجیه نظارت گسترده و محدودسازی سیستماتیک آزادی تبدیل می‌کنند (گیارتی، ۲۰۲۱، ۱۰۲-۱۱۵). این رویکرد را می‌توان در دو الگوی کلان رهگیری کرد:

۵-۲-۱-۱. الگوی آزادی حداقلی و بازی با

حاصل جمع صفر

این الگو بر این پیش‌فرض استوار است که آزادی و امنیت در تعارضی دائمی هستند؛ به گونه‌ای که افزایش یکی لزوماً به کاهش دیگری منجر می‌شود. از این منظر، قلمرو آزادی (به‌ویژه در حوزه حریم

مقدمه‌ای بر آزادی، بلکه به عنوان محصول و برآمده از آن تبیین می‌کند. در این پارادایم، صیانت از حریم خصوصی و آزادی‌های بنیادین، خود منبع اصلی تولید امنیت و اعتماد اجتماعی محسوب می‌شود؛ به گونه‌ای که بدون تضمین آزادی، امنیت به ابزاری برای سرکوب تبدیل خواهد شد (هانی‌ول، ۲۰۲۱، ۸۸-۹۴؛ کینا، ۲۰۱۹، ۱۱۲-۱۲۵). این سازمان معنایی، الگوهای متفاوتی را برای بازتعریف امنیت ارائه داده است:

الف) الگوی «امنیت مشارکتی» و حکمرانی دموکراتیک: این الگو بر پایه اصل «آزادی حداکثری» بنا شده و بر ارکانی متفاوت از الگوهای دولت‌محور استوار است. در این رویکرد، امنیت محصول توافق و همکاری آگاهانه شهروندان است، نه تحمیل اراده‌ای از بالا (لیوی و نیومن، ۲۰۱۹، ۴۵-۵۸). ارکان این الگو عبارت‌اند از:

۱) اصالت حق آزادی و خودآیینی: پیروان این دیدگاه بر این باورند که آزادی، بستر اصلی برای شکوفایی فضایل و ارتقاء امنیت پایدار است. از این منظر، مداخلات گسترده دولت در حریم خصوصی به بهانه امنیت، در بلندمدت به تضعیف اعتماد عمومی و تخریب پایه‌های امنیت ملی منجر می‌شود. تحقیقات جدید در حوزه حکمرانی دیجیتال نشان می‌دهد که شفافیت و صیانت از حقوق کاربران در پلتفرم‌های دولتی، نه تنها آزادی را تضمین می‌کند، بلکه با افزایش مشارکت داوطلبانه، ضریب امنیت داده‌ها را نیز ارتقا می‌دهد (لیما، ۲۰۲۴، ۲۰-۲۸).

۲) اصالت همکاری داوطلبانه و شبکه‌ای: در این الگو، به جای تمرکز بر اقتدار مرکزی، بر نقش

خصوصی و ارتباطات) به عنوان منشأ احتمالی ناامنی نگریسته می‌شود. تحقیقات جدید نشان می‌دهند که در این الگو، حریم خصوصی شهروندان به عنوان «منطقه خاکستری» تهدید قلمداد شده و بر ضرورت مداخله حداکثری دولت برای مهار خطرات تأکید می‌گردد (کونت و اوبراین، ۲۰۲۲، ۸۸-۹۴). در نتیجه، در هرگونه تعارض میان حقوق بنیادین و ضرورت‌های امنیتی، کفه ترازو همواره به نفع امنیت سنگینی می‌کند (بالدوین، ۲۰۱۹، ۲۰۸-۲۱۵).

۵-۲-۱-۲. الگوی ابزاری و بازتولید آزادی در خدمت امنیت

در این الگو، تعارض ذاتی میان این دو ارزش نفی می‌شود، اما آزادی تنها زمانی معتبر است که در جهت تقویت ثبات و نظم سیاسی عمل کند. این نگرش که ریشه در فلسفه هگلی دارد، آزادی را «آگاهی از ضرورت» تعریف می‌کند؛ یعنی شهروند زمانی آزاد است که خواسته‌های خود را با ضرورت‌های امنیتی دولت هماهنگ سازد (هوفمن، ۲۰۲۰، ۶۳-۷۱). در نظام‌های مدرنی که با چالش تروریسم و تهدیدهای نوین مواجه‌اند، این الگوی ابزاری برای توجیه «نظارت مشروع» به کار می‌رود؛ جایی که ادعا می‌شود صیانت از حریم خصوصی تنها در سایه نظارت هوشمند دولتی امکان‌پذیر است (بوزا گارسیا، ۲۰۲۱، ۴۵-۵۲). در واقع، آزادی به ابزاری برای مشروعیت بخشی به نظم مستقر تبدیل می‌شود و هرگونه کنش خارج از این چارچوب، ضد امنیتی تلقی می‌گردد.

۵-۲-۲. نظریه‌های آزادی‌محور

سنت فکری آزادی‌گرا با نقد ساختارهای اقتدارگرا و تأکید بر استقلال فردی، امنیت را نه به عنوان

نه ابزاری برای بی‌نظمی، بلکه ستون اصلی بنای امنیت پایدار و حریم خصوصی مصون از تعرض باشد (بوزا گارسیا، ۲۰۲۱، ۹۰-۹۶).

برآیند بررسی نظریه‌های امنیت محور و آزادی محور نشان می‌دهد که هر دو رویکرد، در صورت افراط، به بن‌بست‌های عملی منجر می‌شوند؛ امنیت محوری بیش از حد، آزادی را به حاشیه می‌راند و آزادی محوری افراطی، بنیان‌های امنیت را متزلزل می‌سازد. از این‌رو، راهکار مطلوب در حقوق اساسی معاصر، رویکردی تعادلی است که آزادی را قاعده و امنیت را استثنا بداند، مشروط بر معیارهای دقیق قانونی، ضرورت و تناسب. با توجه به این چارچوب نظری، در ادامه مقاله، پیشنهاد‌های مشخصی برای بازنگری و اصلاح برخی اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از جمله اصول ۹، ۲۴ و ۲۷ ارائه می‌شود تا زمینه تحقق عملی این الگوی تعادلی فراهم گردد.

۳-۵. راهکارهای پیشنهادی برای بازنگری در اصول قانون اساسی

با توجه به یافته‌های تحقیق حاضر و بررسی چالش‌های موجود در تعارض میان تأمین امنیت عمومی و حفظ آزادی‌های فردی، ضروری است برخی اصول قانون اساسی مورد بازنگری و اصلاح قرار گیرند. در این راستا، پیشنهاد‌های زیر با هدف ایجاد تعادل مؤثر میان این دو ارزش بنیادین حقوق عمومی ارائه می‌شود.

۳-۵-۱. اصل ۹

اصل ۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از مهم‌ترین اصول در حوزه حقوق عمومی است که بر

انجمن‌های آزاد و گروه‌های مدنی در تولید نظم تأکید می‌شود. این ایده که به «امنیت دموکراتیک» شهرت یافته، بر این باور است که امنیت واقعی از طریق مشارکت فعال شهروندان در فرآیندهای نظارتی و تصمیم‌گیری محقق می‌شود (بوزا گارسیا، ۲۰۲۱، ۷۸-۸۵). اگرچه منتقدان، این الگو را به بی‌نظمی متهم می‌کنند، اما تجربه‌های موفق در جوامع توسعه‌یافته نشان داده است که مشارکت هدفمند شهروندان در صیانت از حریم خصوصی و امنیت دیجیتال، هزینه‌های حاکمیتی را به شدت کاهش می‌دهد (ویلسون، ۲۰۲۳، ۱۱۵-۱۲۲).

ب) الگوی «امنیت ساختنی» و مخاطرات رادیکالیسم: در مقابل، برخی رویکردهای افراطی با نقد تمامی ضوابط موجود، مدعی نیل به نوعی «آزادی مطلق» هستند که در آن، هر بازیگر مختار است امنیت را مطابق اراده شخصی خود تعریف و «خلق» کند. این الگو که در برخی جریان‌های آنارشویستی و حتی فاشیستی ریشه دارد، با نفی عقلانیت جمعی و چارچوب‌های حقوقی، امنیت را تابع منابع قدرت در اختیار می‌داند (لوند-تونسن، ۲۰۲۴، ۵۴-۶۲).

مشاهده می‌شود که گرایش‌های افراطی به آزادی، همانند رویکردهای امنیت محور، می‌توانند به فساد امنیت منجر شوند. درحالی‌که الگوی مشارکتی در پیوند با «حکمرانی خوب» به تقویت آزادی و امنیت می‌انجامد، الگوهای ساختنی و رادیکال معمولاً به هرج‌ومرج یا زمینه‌سازی برای ظهور نظام‌های تمامیت‌خواه منتهی می‌شوند (افتخار، ۲۰۲۴، ۲۱۰-۲۱۸). از این منظر، چالش اصلی در نظام حقوق اساسی، یافتن نقطه تعادلی است که در آن، آزادی

صورت اعمال موقت محدودیت باید فوراً (حداکثر ظرف ۴۸ ساعت) به دادگاه ارجاع و رسیدگی شود.

۳. دولت موظف است دلایل عینی توجیه‌کننده هر محدودیت را به صورت مکتوب منتشر کند و گزارشی شفاف به قوهی مقننه و نهادهای نظارتی (مانند دادگستری دیوان عالی و سازمان‌های مستقل) ارائه دهد.

۴. برخی حقوق از شمول هرگونه محدودیت یا وضع وضعیت اضطراری مستثنی‌اند و قابل سلب یا تعلیق نیستند (از قبیل حق حیات، ممنوعیت شکنجه و رفتار یا مجازات غیرانسانی یا تحقیرآمیز، اصول دادرسی عادلانه در حدود مقرر این قانون)

۵. اعمال هر اقدام یا مقرره‌ای که مغایر مفاد این اصل باشد باطل و بلااثر است و مرتکبان نقض مادی یا تفویض نامحدود و غیر مشروط اختیار، حسب مورد، اداری و انتظامی مسئول شناخته می‌شوند.

۶. برای تضمین تعادل عملی، قانون عادی باید رویه‌ها و معیارهای تفصیلی (چک لیست قضایی ضرورت و تناسب، سازوکار گزارش‌دهی، مرجع تجدیدنظر تسریع‌شده و مکانیسم جبران خسارت) را تعیین کند.

نسخه اصلاح‌شده اصل ۹ آزادی را «قاعده» و امنیت را «استثنا» می‌داند، آن‌هم در چارچوب آزمونی سخت‌گیرانه. استفاده از معیار «تهدید جدی، مستقیم و قریب‌الوقوع» به جای عباراتی مبهمی همچون «کمترین خدشه»، فیلتر دقیقی برای تشخیص خطرهای واقعی و زمانمند ایجاد می‌کند؛ اصلی که در حقوق تطبیقی و قواعد بین‌المللی محدودیت بر حقوق نیز پذیرفته شده است.

تضمین آزادی‌های مشروع و منع هرگونه سلب آزادی تأکید دارد. با این حال، تحولات اجتماعی، سیاسی و امنیتی جدید، تفسیر این اصل را در برخی موارد با ملاحظات امنیتی و نظم عمومی در تعارض قرار داده و انسجام و کارآمدی آن را با چالش مواجه ساخته است. از این رو، به منظور تأمین هم‌زمان آزادی‌های اساسی و امنیت ملی، بازنگری در این اصل ضروری به نظر می‌رسد. متن پیشنهادی زیر با هدف ایجاد تعادل پایدار میان آزادی و امنیت تدوین شده است:

۱. «در جمهوری اسلامی ایران، آزادی‌های مشروع و استقلال، وحدت و تمامیت ارضی کشور اصولاً متقابل، مکمل و غیرقابل تضعیف متقابل‌اند و حفظ توأمان آن‌ها وظیفه دولت و آحاد ملت است.

محدود کردن آزادی‌های مشروع فقط در مواردی مجاز است که همه شرایط زیر توأماً تحقق یابد: الف) وجود قانون دقیق و قابل پیش‌بینی که مصادیق و قلمرو محدودیت را روشن کرده باشد (قانون عام یا ویژه).

ب) تحقق تهدید جدی، مستقیم و قریب‌الوقوع نسبت به اهدافی مشخص و محدود مورد حمایت این اصل (مثلاً استقلال، تمامیت ارضی یا زلزله‌سازوکارهای حیاتی حاکمیت).

پ) رعایت معیارهای ضرورت و تناسب (شامل اصل کم‌ترین شدت، حداقل‌سازی مداخله و هدف‌گرا بودن محدودیت).

ت) تحدید زمانی، مکانی و موضوعی روشن برای هر محدودیت (مدت اولیه محدودیت حداکثر ۳۰ روز است؛ هر تمدید باید با تصویب صریح قوهی مقننه و دلایل عینی همراه باشد).

۲. هرگونه اعمال محدودیت موضوع بند (۱) صرفاً با حکم دادگاه صالح و مستقل ممکن است؛ مگر در موارد استثنایی عدم امکان فوری قضایی که در آن

ت) جلوگیری از افشای اطلاعات طبقه‌بندی‌شده که موجب زیان جدی و قریب‌الوقوع به کارکردهای حیاتی کشور می‌شود.

۳. هر محدودیت موضوع بند (۲) باید هم‌زمان واجد شرایط قانونی‌بودن، ضرورت و تناسب باشد؛ یعنی محدودیت، کم‌تهاجمی‌ترین وسیله موجود برای دفع خطر باشد و ماهیت اساسی آزادی بیان را تضییع نکند.

۴. اصل بر منع ممانعت پیشینی است؛ توقیف، تعلیق یا منع پیش از نشر تنها در موارد بسیار محدود مندرج در بند (۲) و با حکم دادگاه صالح و مستقل مجاز است. در مواردی که فوراً حضور قضاوت پیشینی ممکن نیست، اقدام موقت اداری مجاز است مشروط بر آنکه ظرف ۴۸ ساعت به دادگاه ارجاع و رسیدگی شود.

۵. هر اقدام توقیف، تعلیق یا حکم محدودیت باید دلایل مکتوب عینی داشته باشد، محدود به مدت زمانی معین باشد (مدت اولیه تعلیق حداکثر ۷ روز؛ هر تمدید منوط به تصویب مکتوب مرجع قضایی یا تقنین صریح) و دارای سازوکار تجدیدنظر سریع باشد.

۶. برخی حقوق و قواعد بنیادین (از قبیل ممنوعیت شکنجه، حق حیات و اصول بنیادین دادرسی عادلانه) از شمول هرگونه محدودیت خارج‌اند.

۷. قانون عادی موظف است سازوکارهای تفصیلی اجرایی (چک‌لیست قضایی ضرورت و تناسب، سازوکار گزارش‌دهی عمومی، مرجع تجدیدنظر تسریع‌شده و مکانیسم جبران خسارت) را تعیین کند.

۸. هر مقرر یا اقدام مغایر این اصل باطل است و متخلفان حسب مورد مسئول انتظامی، اداری یا کیفری شناخته خواهند شد.»

این متن، اهداف امنیتی را محدود، شفاف و مصداقی تعریف می‌کند، نظارت قضایی و پارلمانی و الزام به شفافیت مستمر را پیش‌بینی می‌نماید و ابزارهای بازدارنده از سوءاستفاده از جمله ابطال مقررات مغایر، مسئولیت مقامات، گزارش‌دهی و انتشار دلایل را تضمین می‌کند. به این ترتیب، اصل پیشنهادی تعادل واقعی میان امنیت و آزادی را برقرار می‌سازد: رابطه‌ای نه مبتنی بر تقابل صفر و یک، بلکه بر پایه سنجش‌پذیری، نظارت و توازن حقوقی متقابل.

۵-۳-۲. اصل ۲۴

با هدف ایجاد تعادل پایدار میان آزادی‌های مشروع از یک‌سو و تأمین امنیت ملی و نظم عمومی از سوی دیگر و در پاسخ به نیازهای جامعه در شرایط متحول اجتماعی، سیاسی و فناوری، اصل ۲۴ قانون اساسی به شرح زیر اصلاح می‌شود:

«نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند. هرگونه محدودیت رسمی بر آزادی مطبوعات صرفاً در چارچوب این اصل و به‌صورت محدود و قابل پیش‌بینی مجاز است؛

۱. هر محدودیت بر نشر یا توزیع مطالب باید به موجب قانون دقیق و قابل پیش‌بینی باشد و مصادیق و روبه‌های اجرایی آن را قانون معین کند.

۲. هدف مجاز محدودیت تنها عبارت است از:

- الف) حفاظت از امنیت ملی مشخص و تمامیت ارضی در مواجهه با خطرهای عینی و قریب‌الوقوع؛
- ب) جلوگیری از تحریک به خشونت عملی و خطری که فوراً به وقوع می‌پیوندد؛
- پ) حمایت از حقوق و حیثیت اشخاص در موارد مشخص و قابل اثبات؛

پیشنهادی اصلاح اصل ۲۷ قانون اساسی به شرح زیر ارائه می‌شود:

«تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، آزاد است. محدود کردن این آزادی صرفاً در شرایطی مجاز است که هدف مشروع و دلایل عینی برای حفاظت از امنیت ملی، تمامیت ارضی، حقوق و جان دیگران یا جلوگیری از خشونت قریب‌الوقوع وجود داشته باشد؛

۱. هرگونه محدودیت باید به‌موجب قانون دقیق و قابل پیش‌بینی باشد و مصادیق و رویه‌های اجرایی آن را مشخص کند.

۲. محدودیت‌ها باید تابع معیارهای ضرورت و تناسب باشند: محدودترین و کم‌تهاجمی‌ترین تدابیر برای دفع خطر مشخص و قریب‌الوقوع استفاده شود و آزادی‌های تجمع به‌صورت غیرضروری تضعیف نگردد.

۳. پیش از اعمال محدودیت، در صورت امکان، اطلاع‌رسانی و اخطار رسمی به برگزارکنندگان الزامی است.

۴. محدودیت‌ها باید مدت‌دار و موضوعی محدود باشند و تمدید آن‌ها نیازمند تصویب مرجع قضایی یا پارلمانی صالح و دلایل عینی جدید باشد.

۵. تصمیم‌گیری در مورد محدودیت‌ها باید با نظارت قضایی مستقل باشد؛ در موارد اضطراری که رسیدگی پیش از تجمع ممکن نیست، محدودیت موقت اعمال شده باید ظرف ۴۸ ساعت به دادگاه صالح ارجاع و رسیدگی شود.

۶. هر اقدام مغایر با این اصل باطل و بلااثر است و مسئولان آن حسب مورد مسئولیت کیفری، انتظامی یا اداری خواهند داشت.»

نسخه اصلاح‌شده اصل ۲۴ آزادی مطبوعات را به‌عنوان «قاعده» می‌شناسد و محدودیت را صرفاً در موارد استثنایی و بر اساس شرایط حقوقی روشن مجاز می‌داند. در این رویکرد، امنیت ملی و حمایت از حقوق دیگران به‌عنوان اهداف مشروع محدودیت تعریف شده‌اند، اما هیچ‌یک به‌طور پیش‌فرض بر آزادی اولویت ندارد. شرط‌های سه‌گانه قانونی بودن، ضرورت و تناسب، مرز ورود به حوزه محدودیت را تعیین می‌کند.

همچنین، حذف اصطلاحات کلی و قابل تفسیر سلیقه‌ای مانند «مبانی اسلام» یا «حقوق عمومی» و جایگزینی آن‌ها با معیارهای عینی و قابل‌سنجش، مانع تصمیم‌گیری خودسرانه می‌شود. این الگو با اسناد و رویه‌های بین‌المللی نیز هماهنگ است که بر «قابل پیش‌بینی» و «مشخص» بودن محدودیت‌ها تأکید دارند.

الزام به انتشار دلایل مکتوب، محدودیت زمانی روشن و گزارش‌دهی به مراجع نظارتی، هزینه سیاسی و حقوقی اقدامات نامتناسب را افزایش می‌دهد و امکان نظارت عمومی و پارلمانی را تقویت می‌کند. چنین سازوکاری هم مانع «امنیت محوری دائمی» می‌شود و هم امکان واکنش سریع در شرایط خطر واقعی را فراهم می‌آورد.

۵-۳-۳. اصل ۲۷

آزادی اجتماعات و راهپیمایی‌ها یکی از حقوق بنیادین شهروندان و جلوه‌ای از مشارکت دموکراتیک در نظام حقوق عمومی است. این آزادی در عین حال باید به‌گونه‌ای تنظیم شود که امنیت ملی، تمامیت ارضی و حقوق دیگران در معرض تهدید واقعی قرار نگیرد. بر همین اساس، نسخه

شرایط عادی نیز منطق «ضرورت امنیتی» بتواند بر منطق «صیانت از آزادی» غلبه کند و حریم خصوصی، به جای آنکه یک حق اصیل و پیش فرض تلقی شود، به حوزه‌ای مشروط و آسیب‌پذیر تبدیل گردد.

تحلیل تطبیقی و مفهومی این پژوهش آشکار ساخت که امنیت، اگرچه شرط لازم برای بهره‌مندی از بسیاری از حقوق است، اما زمانی که به صورت ارزش غالب و بی‌مهار در نظام حقوقی وارد شود، به جای تضمین نظم، خود به عامل تضعیف نظم حقوقی تبدیل می‌شود. در واقع، امنیت بدون ضابطه، از یک ابزار حمایتی به سازوکاری برای گسترش نظارت، تحدید اختیار فردی و مداخله در قلمرو خصوصی شهروندان بدل می‌شود. در نقطه مقابل، آزادی نیز اگر فاقد چارچوب حقوقی و مسئولیت‌پذیری باشد، می‌تواند زمینه‌ساز آشوب، سوءاستفاده و تضعیف کارکردهای عمومی دولت گردد. بنابراین، مسأله اصلی نه برتری مطلق یکی بر دیگری، بلکه طراحی سازوکاری است که بتواند میان این دو ارزش، تعادل حقوقی و نهادی برقرار کند.

بر این اساس، اصلاحات پیشنهادی این پژوهش بر سه محور اساسی استوار بود: نخست، پذیرش آزادی به عنوان قاعده و امنیت به عنوان استثنای محدود و تفسیرپذیر به صورت مضیق؛ به این معنا که هرگونه محدودسازی آزادی‌های بنیادین باید تنها در شرایط تهدید جدی، مستقیم، واقعی و قریب‌الوقوع مجاز باشد. دوم، لزوم تصریح قانونی دقیق، شفاف، پیش‌بینی‌پذیر و قابل دسترس برای هر نوع مداخله در حقوق شهروندان؛ زیرا فقدان قانون روشن، زمینه

نسخه پیشنهادی اصل ۲۷، آزادی تجمع را اصل بنیادین می‌شناسد و محدودیت را تنها در شرایط استثنایی و بر مبنای تهدید عینی و قریب‌الوقوع مجاز می‌داند. این رویکرد تضمین می‌کند که نه امنیت به صورت بی‌ضابطه اعمال شود و نه آزادی تجمع به شکلی بی‌حد و مرز رها گردد. شرط «قانون دقیق و قابل پیش‌بینی» مانع تصمیم‌گیری سلیقه‌ای می‌شود و همانند اصل ۲۴، تعادلی میان واکنش سریع به تهدیدها و صیانت از آزادی برقرار می‌سازد.

افزون بر این، الزام به ارائه دلایل مکتوب و تعیین مدت‌زمان محدود برای هر اقدام، شفافیت را افزایش داده و امکان نظارت و بازبینی قضایی و پارلمانی را فراهم می‌کند. چنین سازوکاری هم از سوءاستفاده‌های امنیت محور جلوگیری می‌کند و هم بستر تعامل واقعی میان امنیت و آزادی را ایجاد خواهد کرد.

۶. نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که نسبت میان امنیت و آزادی در نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، صرفاً یک بحث انتزاعی یا نظری نیست، بلکه از مهم‌ترین مسائل عملی در تضمین حریم خصوصی شهروندان به شمار می‌آید. بررسی اصول ۹، ۲۴ و ۲۷ قانون اساسی نشان داد که هرچند این اصول ظرفیت‌هایی مهم برای حمایت از آزادی‌های بنیادین دارند، اما به دلیل کلی‌بودن الفاظ، ابهام در مفاهیم محدودکننده و فقدان سازوکارهای روشن برای نظارت و پاسخگویی، در عمل امکان تفسیر موسع به نفع مداخلات امنیتی را فراهم می‌کنند. همین ویژگی سبب می‌شود که در

حقوقی افزایش می‌یابد و هم مشروعیت اقدامات حاکمیتی در چشم شهروندان تقویت می‌شود.

در نهایت، می‌توان گفت که دستاورد اصلی این پژوهش آن است که نشان می‌دهد تعارض میان امنیت و آزادی، تعارضی حل‌ناشدنی نیست؛ بلکه با اصلاحات هنجاری، تفسیری و نهادی می‌توان آن را به تعاملی سازنده بدل کرد. بر همین اساس، پیشنهادهای ارائه‌شده برای اصلاح اصول ۹، ۲۴ و ۲۷ می‌توانند زمینه‌ساز الگویی باشند که در آن، امنیت نه رقیب آزادی، بلکه شرط پایداری آن و حریم خصوصی نه امری تبعی، بلکه هسته‌ای از حقوق اساسی شهروندان در نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران تلقی شود.

۷. سهم نویسندگان

نگارش متن توسط نویسندگان و نظارت علمی و اصلاحات نهایی توسط نویسنده مسئول صورت گرفت.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

را برای تصمیم‌گیری سلیقه‌ای، گسترش اختیارات نامحدود و تفسیرهای موسع از «مصلحت» یا «امنیت» فراهم می‌سازد. سوم، استقرار سازوکارهای مؤثر نظارت و پاسخگویی، از جمله نظارت قضایی مستقل، کنترل پارلمانی، الزام مقامات به ارائه دلایل مکتوب، تحدید زمانی و موضوعی اقدامات و امکان پیگیری مسئولیت نهادهای متعرض به حریم خصوصی.

از منظر حقوق اساسی، تحقق این سه محور می‌تواند ماهیت رابطه امنیت و آزادی را از یک رابطه تنش‌آلود و مبتنی بر غلبه امنیت، به رابطه‌ای متوازن، قابل‌سنجش و قابل‌کنترل تبدیل کند. چنین تحولی نه تنها مانع از شکل‌گیری امنیت محوری دائمی و نهادینه‌شدن استثناها می‌شود، بلکه ظرفیت نظام حقوقی را برای پاسخ سریع، هدفمند و مشروع به تهدیدهای واقعی حفظ می‌کند. به بیان دیگر، امنیت در این الگو نه به مثابه نفی آزادی، بلکه به مثابه پشتیبان آزادی فهم می‌شود؛ پشتیبانی که تنها در سایه قیدهای حقوقی و نظارت نهادی مشروعیت می‌یابد.

از سوی دیگر، بازنگری اصول ۹، ۲۴ و ۲۷ صرفاً یک اصلاح لفظی یا تکنیکی در متن قانون اساسی نیست، بلکه اقدامی راهبردی در جهت ارتقاء فرهنگ حقوقی، تقویت حاکمیت قانون و بازتعریف جایگاه دولت در قبال حقوق بنیادین شهروندان است. اگر حریم خصوصی به عنوان بخشی از کرامت انسانی و شرط لازم برای استقلال فردی به رسمیت شناخته شود، آنگاه مداخلات امنیتی نیز ناگزیر باید در چارچوبی محدود، شفاف و قابل رسیدگی قرار گیرند. در این صورت، هم اعتماد عمومی به نظام

Reconstructing a Neglected Undercurrent in Isaiah Berlin's Two Concepts of Liberty," *The Review of Politics*, Vol. 76, No. 2, 2014.

- Herington, J, The Concept of Security. In: *The Oxford Handbook of Philosophy of War*, Oxford University Press, 2013.

- Hoffman, J, *The Concept of Liberty in Modern Political thought*, Sage Publications, 2020.

- Honeywell, C. (2021). *Anarchism*. Polity Press.

- Iftikhar, S, "Cybersecurity as a Global threat: Challenges and Responses", *Frontiers in Political Science*, Vol. 6, No. 2, 2024.

- Kadivar, M, Freedom of religion and belief in Islam, In L. Ridgeon (Ed.), *Islam and Religious Diversity* (pp. 34–55), Routledge, 2010.

- Kinna, R, *The Government of no One: The Theory and Practice of Anarchism*, Pelican Books, 2019.

- Kis, J, "Berlin's Two Concepts of Positive Liberty", *European Journal of Political Theory*, Vol. 12, No. 1, 2013.

- Levy, C & Newman, S (Eds.), *The Anarchist Imagination: Anarchism Encounters the Humanities and the Social Sciences*, Routledge, 2019.

- Lima, V, "Strengthening Participatory Governance through Tech-Enabled Democratic Innovations", *Journal of Deliberative Democracy*, Vol. 21, No. 1, 2024.

منابع

- Almahfali, M & Avery, H, "Human Rights from an Islamic Perspective: A Critical Review of Arabic Peer-Reviewed Articles". *Social Sciences*, Vol. 12, No. 2, 2023.

- Baldwin, D. A, *Security Studies and the Art of Statecraft*, Cambridge University Press, 2019.

- Baum, B & Nichols, R (Eds.), *Isaiah Berlin and the Politics of Freedom: Two Concepts of Liberty 50 Years Later*, Routledge, 2013.

- Berlin, I, *Four Essays on Liberty*, Oxford University Press, 1969.

- Bouza Garcia, L (Ed.), *Civil Liberties and the Security State: Global Perspectives*, Routledge, 2021.

- Bratt, E & Roemer, J. E, *Security and Justice: The Political Economy of Collective Protection*, Oxford University Press, 2021.

- Centre for Internet and Society (CIS), *Identifying Aspects of Privacy in Islamic Law: The Public and Private in Islam*, CIS-India Publishing, 2016.

- Conti, G & O'Brien, E. H, *Government Surveillance, Privacy, and Legitimacy*, Springer Nature, 2022.

- Crowder, G, *The Problem of Value Pluralism: Isaiah Berlin and Beyond*, Routledge, 2020.

- Gearty, C, *Civil Liberties* (2nd ed.), Oxford University Press, 2021.

- Gustavsson, G, "The Psychological Dangers of Positive Liberty:

- Lund-Tønnesen, J, “Transparency and Digitalization of Public Sector: Security vs. Freedom”, *Public Management Review*, Vol. 3, No. 14, 2024.
- Mayer, A, *Islam and Human Rights: Tradition and politics* (5th ed.), Routledge, 2018.
- Philpott, D, *Religious Freedom in Islam: The fate of a Universal Human Right in the Muslim World Today*, Oxford University Press, 2019.
- Podoksik, E & Elazar, Y, “How did Negative Liberty Become a Liberal Ideal?” *Journal of Political Ideologies*, Vol. 18, No. 41, 2020.
- Rydz, M; Collins, A & Smith, S, *Contemporary Security Studies* (6th ed.), Oxford University Press, 2022.
- Shapiro, I, *The Moral Foundations of Politic*, Yale University Press, 2019.
- United Nations Development Programme (2022), *Human Security Report 2022*, UNDP.
- Waldron, J, *Torture, Terror, and Trade-Offs: Philosophy for the White House*, Oxford University Press, 2018.
- Wilson, M, “Specifying a Principle of Cryptographic Justice: Data Privacy and Security”, *Ethics and Information Technology*, Vol. 25, No. 3, 2023.
- Wolfers, A, “National Security as an Ambiguous Symbol”, *Political Science Quarterly*, Vol. 67, No. 4, 1962.